

صفر حسینی درخواست افزایش حقوق هم داده بود!

صفحه ۳



جروزالم پست:

نتانياهو طرفدار هیلاری است

صفحه ۱۵



دل نوشت

امانتدار تو بودی بابا رجب

حسین قدیانی

همین؟! فقط «چشم‌ها را باید شست»؟! نخیر جناب سهراب! من در جناح «سلمان» ام و نویسل را «خرمهره» می‌دانم! به گمانم دهان‌ها را هم باید آب کشید! «زشت» صورت او نبوده، سیرت این جماعت است! تکرار می‌کنم «زشت صورت او نبوده، سیرت این جماعت است!» آری! در زمانه‌ای که عمل جراحی برای زیبایی، حتی از مردان هم مشتری دارد، زنده باد جانباز شهید «رجب محمدزاده» که یادگاری دفاع مقدس از این مرز و بوم را هرگز از صورت خود پاک نکرد! هدف اگر خدا باشد، قیافه را هم باید داد! «عمل جراحی برای زیبایی» آن عملی است که رضایت خدا را به همراه داشته باشد! «سردار خبیر» اصلا سر نداشت! جزیره بی‌خود مجنون «همت» نمی‌شود! قهرمان یعنی «بابا رجب»! از دل معرکه جنگ، سر و صورت را همین سردارها و سربازها و سرهنگ‌ها دادند، آنوقت جیب بنفشش را جماعت «حقوق» دان می‌کشند! این پیشکسوتان فیش! السابقون حقوق! شیفنگان مزایا! مدیران شاسی‌بلندا یعنی شرکای نجومی می‌دانند جنگ ققدر بد است، بچه‌های جنگ نمی‌دانند! هم‌هاش شد علامت تعجب! علامتی که هم اکنون می‌شنوید! علامت نینوا! قمقه‌های خالی دشت عباس! بچه‌های مکتب علمه! خجالت بکشید از خجالت کشیدن‌های بابا رجب! مردی که تمام زندگی را جنگید! جنگ برای او «۸ ساله» نبود! او داشت می‌جنگید، حتی هنگام ادای آن جمله قصار انتخاباتی! «من سرهنگ نیستم، من حقوق‌دانم»! هم‌هاش شد علامت تعجب! ۲۹ سال غذا خوردن با نی! بشنو از نی! بشنو که امانت را امثال همین پیشکسوتان جهاد و شهادت حفظ کردند، آنوقت سخنگوی دولت اعتدال از صفر حسینی به عنوان «امانتدار بزرگ» یاد می‌کنند! قرار بود مدیران نجومی عوض شوند یا مفاهیم؟! چه تودعی! چه معارفه‌ای! چه اعتدالی! یعنی من کنسته اعتدال این حضراتم! جان و مال و آبرو و چهره و خط و خال و آبرو را رجب محمدزاده تقدیم اسلام و ایران کرد، آنوقت از فلان مدیر نجومی به عنوان «ذخیره نظام» یاد می‌شود! اشتباه می‌کنید آقای نویخت! این ویژه‌خوران، ذخیره نظام نیستند، بلکه بازیکن فیکس تیم اعتدالند! استاد دریل‌های لب خطا و مکیدن خون بچه‌های لب شط! حمله به ارزش‌ها از جناح پول! حمله به خمینی از جناح اسلام مرفهین! بدردا حمله به صحیفه از جناح اسلام آمریکایی! یعنی من مرده اعتدال این حضراتم! بار جنگ با لعین داعشی باید روی دوش شریجه‌های قاسم سلیمانی در سپاه قدس باشد، آنوقت ضامن امنیت ما بر جام خوانده شود! یعنی من کشته‌مرده این اعتدال! ما باورم هست برای آنکه بفهمیم اعتدال دقیقا بر وزن چیست، باید شکم سیری‌ناپذیر نجومی‌ها را وزن کنیم! آهای! بیا لعنت بفرستیم بر جرمه‌هایی که حرف مفت می‌زنند! «انقلاب مثل گربه فرزندان خود را می‌خورد»! بدتر از زالو افتاده‌اند به مکیدن خون انقلاب و انقلابی‌ها، یک چیزی هم حالا طلبکارند! این ماجرای حقوق‌های نجومی، تنها یک کمپین است و لاغیر! کمپین اعتدال علیه عدالت! حمله به عدالت از جناح اعتدال! حمله به عدالت از جناح فرافکنی! از جناح مغالطه! از جناح بیچاندن پرسش خبرنگارا! «تشکر ویژه از شبکه‌های اجتماعی» در برابر پرسش «عاقبت با این همه تبعیض چه کار می‌کنید؟! بیان این امر مسلم «وجود هزاران کارمند با حقوق معمولی» در برابر پرسش «عاقبت با این همه تبعیض چه کار می‌کنید؟!»

خبرنگار هم از مزایا و مضرات شبکه‌های اجتماعی مطلع است، هم از وجود هزاران کارمند با حقوق کمزور! «بی‌کاری، بی‌کاری»! فردا «روز خبرنگار» است! روز قلم! با بیچاندن پرسش اهالی رسانه یا با همین امانتدار خواندن مدیر نجومی، دولت اعتدال پرده از اوج احترام خود برای اصحاب خبر برداشت!

صورتش را دادا امنیتم آید! / حاج رجب محمدزاده پس از ۲۹ سال جانیازی از عالم ظاهر رگشید و به یاران شهیدش پیوست / صفحه ۱۳ - عکس: محسن بخشنده، ایرنا



در ردیلت سکولارهای هیپوکرات

علیرضا مشتاق

سوی ایشان و خانواده محترم‌شان و در دست داشتن سمت‌های ریز و درشت در این کشور، به این نتیجه رسیدند که حکومت دینی امری است باطل! پیش از هر کاری لازم است از گذشته‌ای که به‌عزمت‌شان به باطل گذشته است توبه کنند و یافته‌های مادی این دوران را به مردم بازگردانند. بیانات خانم هاشمی بود. اگر بی‌بنامی دین، نافی حکومت دینی باشد، بر همین منهای نمی‌توان اصل دینداری را زیر سوال برد؟ سلوک فردی دینداران هم ممکن است به بنامی دین بینجامد و گناه مسلمین به پای اسلام نوشته شود. آیا باید اصل دینداری را نفی کرد یا باید آن سلوک و رفتار اشتباه را اصلاح کرد. بگذریم... خود خانم هاشمی هم می‌دانند قصد بحث نظری نداشته‌اند و اساسا از نظر بنیه علمی در قواره چنین کاری نیستند، اگر نه می‌شد از ایشان پرسید «بر فرض حکومت دینی منتفی شد، به چه نام و بر چه بنیانی بر مردم حکومت کنیم؟ به نام قانون خوب است؟ می‌دانید کشتاری که هیتر در آلمان به راه انداخت کاملا قانونی بود؟ قانون بدنام نمی‌شود؟ به نام مردم، به نام آزادی، به نام چه حکومت کنیم؟ باید این مفاهیم متعالی و ارزشمند را همه روی تاقچه گذاشت و نگاهش کرد و کیفیت را برسد. مبادا از ترس بنامی هیچ یک را وارد عرصه عمل کنیم، بگذریم...

سرکار خانم فائزه هاشمی اخیرا فرموده‌اند «مخالف حکومت دینی هستیم». تا اینجا کار اشکال چندانی ندارد. خیلی‌ها مخالف اصل دین بودند و هستند، حکومت دینی که جای خود دارد! هر کسی حق دارد مستدل از عقیده‌اش دفاع کند. البته استدلال حلقه مفقوده بیانات خانم هاشمی بود. اگر بی‌بنامی دین، نافی حکومت دینی باشد، بر همین منهای نمی‌توان اصل دینداری را زیر سوال برد؟ سلوک فردی دینداران هم ممکن است به بنامی دین بینجامد و گناه مسلمین به پای اسلام نوشته شود. آیا باید اصل دینداری را نفی کرد یا باید آن سلوک و رفتار اشتباه را اصلاح کرد. بگذریم... خود خانم هاشمی هم می‌دانند قصد بحث نظری نداشته‌اند و اساسا از نظر بنیه علمی در قواره چنین کاری نیستند، اگر نه می‌شد از ایشان پرسید «بر فرض حکومت دینی منتفی شد، به چه نام و بر چه بنیانی بر مردم حکومت کنیم؟ به نام قانون خوب است؟ می‌دانید کشتاری که هیتر در آلمان به راه انداخت کاملا قانونی بود؟ قانون بدنام نمی‌شود؟ به نام مردم، به نام آزادی، به نام چه حکومت کنیم؟ باید این مفاهیم متعالی و ارزشمند را همه روی تاقچه گذاشت و نگاهش کرد و کیفیت را برسد. مبادا از ترس بنامی هیچ یک را وارد عرصه عمل کنیم، بگذریم...

علی‌الاصول خانم هاشمی در اعتقاد به حکومت سکولار یا لایتیک آزادند. آزادی ارزشمندترین موهبت الهی است و عقیده هم جبربردار نیست ولی سرکار خانم هاشمی! آزادی نیز موهبت و گوهری است بی‌نهایت ارزشمند. آزادی حکم می‌کند به لوازم اعتدالمان پایبند باشیم، این طور نباشد که به زبان مخالف حکومت دینی باشیم و کف و سوت عده‌ای را برای خودمان دستت کنیم و در عمل از موهبت و مزایای حکومت دینی بهره‌مند شویم. نمی‌شود که سرتی در آخور داشت و سرتی در توبره می‌شود البته ولی ردیلتی است شمشیرکننده. اولاً امروز که خانم هاشمی‌رفسنجانی بعد از قریب به ۴۰ سال بر خوررداری از موهبت حکومت دینی از

بی تدبیری و افزایش ۲۵۰ درصدی واردات بنزین

سیدمحمدعلی خطیبی

جای واردات، می‌توانست دشمنان را در رسیدن به اهداف خود امیدوار کند. حال در این شرایط بدون اینکه از گذشته عبرت بگیریم و این نقطه‌ضعف را اصلاح کنیم وزارت نفت با کنار گذاشتن سیاست مدیریت مصرف و با افزایش روزافزون واردات بنزین روند خطرناک تشدید واردات را دنبال می‌کند. در دولت‌های سازندگی و اصلاحات هم لزوم مقابله با مصرف بی‌رویه حامل‌های انرژی مطرح بود اما نسخه آنها فقط افزایش قیمت بود که پس از چند بار عمل کردن به این نسخه معلوم شد این اقدام به تنهایی موثر نیست، بلکه اقدامات غیرقیمتی هم باید در دستور کار قرار گیرد تا مدیریت و کنترل مصرف با موفقیت دنبال شود. متأسفانه دولت‌های اصلاحات و سازندگی هیچ شتابان رشد مصرف و افزایش واردات را مهار کرد؛ مصرف بنزین که در ۳ ماهه سال جاری حدود ۷۲ میلیون لیتر بود با توجه به قرار داشتن در فصل مسافرت‌ها با رشدی سریع می‌تواند به ۹۰ میلیون لیتر و حتی بالاتر هم برسد. دبیرخانه اوپک هم در بولتن سالانه خود اعلام کرده مصرف بنزین ایران در سال قبل با رشدی جهشی به بالاترین سطح در سال‌های اخیر رسیده که بخش اعظم این رشد مصرف از طریق واردات تأمین می‌شود. مقام معظم رهبری هم تأکید دارند واردات بنزین باید متوقف شود، در حالی که رشد مصرف با کنار گذاشتن کارت سوخت و بی‌توجهی به مدیریت مصرف راه را برای واردات بیشتر هموار کرده است. سؤال مهم اینکه آیا چنین رشد مصرفی برای کشور منطقی است و با ادامه این مصرف لجام‌گسیخته و تشدید روند واردات عواقب آن برای کشور چه خواهد شد و اصولا چرا به توصیه‌های دلسوزان نظام در این باره بی‌توجهی می‌شود؟ بررسی‌های کارشناسی بیانگر آن است که ادامه این روند به صلاح کشور نیست و باید این روند اصلاح شود. مگر همین‌چندی قبل نبود که دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و در رأس آنها آمریکا جنایتکار از این نقطه ضعف کشور استفاده کرده و با تحریم بنزین سعی داشتند کشور را تحت فشار قرار دهند؟! و اگر نبود ابتکار عمل دولت قبل در استفاده از توان داخلی به

یادداشت امروز
سال قبل به دنبال حذف کارت سوخت بنزین با شعار تک‌نرخ کردن قیمت بنزین و جلوگیری از فساد ناشی از دوبرخی بودن قیمت، ناگهان واردات این فرآورده نفتی با رشدی حدود ۲۰۰ درصدی مواجه شد. واردات بنزین که در دولت قبل تنزل بسیاری یافته و به میزان ناچیزی رسیده بود و می‌رفت تا متوقف شود، در دولت تدبیر و امید مجدداً روند صعودی به خود گرفت و سال به سال افزایش یافت به گونه‌ای که سال ۹۳ به رقم ۴۷ میلیون لیتر در روز و سپس با کنار گذاشتن کارت سوخت در سال ۹۴ واردات این فرآورده نفتی به ۹ میلیون لیتر رسید. سال جاری نیز شواهد موجود بیانگر آن است که واردات بنزین با تداوم روند یادشده به حدود ۱۲ میلیون لیتر رسیده که در مقایسه با سال ۹۳ رشدی بیش از ۲۵۰ درصد داشته است. پیش‌بینی شده این واردات بزودی به حدود ۱۵ میلیون لیتر هم برسد، زیرا مصرف بنزین که در ۳ ماهه سال جاری حدود ۷۲ میلیون لیتر بود با توجه به قرار داشتن در فصل مسافرت‌ها با رشدی سریع می‌تواند به ۹۰ میلیون لیتر و حتی بالاتر هم برسد. دبیرخانه اوپک هم در بولتن سالانه خود اعلام کرده مصرف بنزین ایران در سال قبل با رشدی جهشی به بالاترین سطح در سال‌های اخیر رسیده که بخش اعظم این رشد مصرف از طریق واردات تأمین می‌شود. مقام معظم رهبری هم تأکید دارند واردات بنزین باید متوقف شود، در حالی که رشد مصرف با کنار گذاشتن کارت سوخت و بی‌توجهی به مدیریت مصرف راه را برای واردات بیشتر هموار کرده است. سؤال مهم اینکه آیا چنین رشد مصرفی برای کشور منطقی است و با ادامه این مصرف لجام‌گسیخته و تشدید روند واردات عواقب آن برای کشور چه خواهد شد و اصولا چرا به توصیه‌های دلسوزان نظام در این باره بی‌توجهی می‌شود؟

نگاه

کودک و آموزش مهربانی در مسجد

دکتر ندا ملکی

مهربانی توانایی شگرف توجه داشتن به آسایش و احساسات دیگران و یکی از فضیلت‌های اساسی هوش اخلاقی است. تحقیقات نشان می‌دهد صفات مهربانی و عطفوت باید پایه‌گذاری، پرورانه و آموخته شده باشند و از آنجا که یکی از بهترین روش‌ها جهت آموزش رفتارهای اخلاقی به کودکان، تقلید از سرمشق‌هایی است که آنها را ارزشمند می‌دانند لذا والدین و مربیان کودک - که متولیان مساجد نیز در زمره آنها هستند - می‌توانند مهربانی را در عمل به کودکانی که مسجد را به عنوان خانه خدا و مکانی امن پنداشته و به آنجا آمد و شد دارند بیاموزند. یک چیز مسلم است: نمی‌توان کنار ایستاد و چنین انگاشت که فرزندان‌مان در دنیا به آنجا را با تعالیم بدبینانه و نامهربانانه اشعاع می‌کنند، خوش‌قلب و مهربان خواهند شد. این گفته قدیمی که می‌گوید «کودکان آنچه را که با آن زندگی می‌کنند می‌آموزند حقایق زیادی را در خود نهفته دارد. در اینجا به ۳ مرحله آموختنی که می‌توانیم در مساجد از آنها برای تقویت مهربانی در کودکان استفاده کنیم اشاره خواهیم داشت. مرحله نخست: معنا و ارزش مهربانی را آموزش دهیم. آگاهانه سر مشق مهربانی بودن، انتظار و توقع مهربانی داشتن، معنای مهربانی را آموزش دادن و نشان دادن اینکه مهربانی چگونه به نظر می‌رسد از ضرورت‌های فعلیت بخشیدن به مرحله اول است. به طبع معمول رفتارهای عطفوت‌آمیز آنقدر طبیعی است که ممکن است کودکان آنها را درک نکنند، بنابراین باید این رفتارها را از روی عمد ظاهر کنیم. به عنوان مثال اگر کودکی چند صباحی است به مسجد نمی‌آید، امام جماعت مسجد به او تلفن زده و از احوال او جویا شود، یا اگر نوجوانی تنها به مسجد آمده یا کمی دلگیر به نظر می‌رسد امام محترم جماعت با الفاظی چون: «حالتان خوب است؟»، «تنها به نظر می‌رسد» یا «چطور می‌توانم به شما کمک کنم؟» مهربانی و دلسوزی خود را به کودک اعلام کند. همچنین پیشنهاد کمک به مادران و پدرانی که کودک آنها در مسجد بی‌قراری می‌کند و نیز عبادت از کودکان بیمار به همراه کودکان و نوجوانانی که به مسجد می‌آیند، می‌تواند پیام‌های دوستی و مهربانی را به کودکان برساند. ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به سوی اوست
در گذشت خبرنگار پر تلاش خبرگزاری فارس
مرحوم «مهدی خوانساری»
را به خانواده محترم ایشان و جامعه رسانه‌های کشور تسلیت می‌گوییم
وطن امروز